

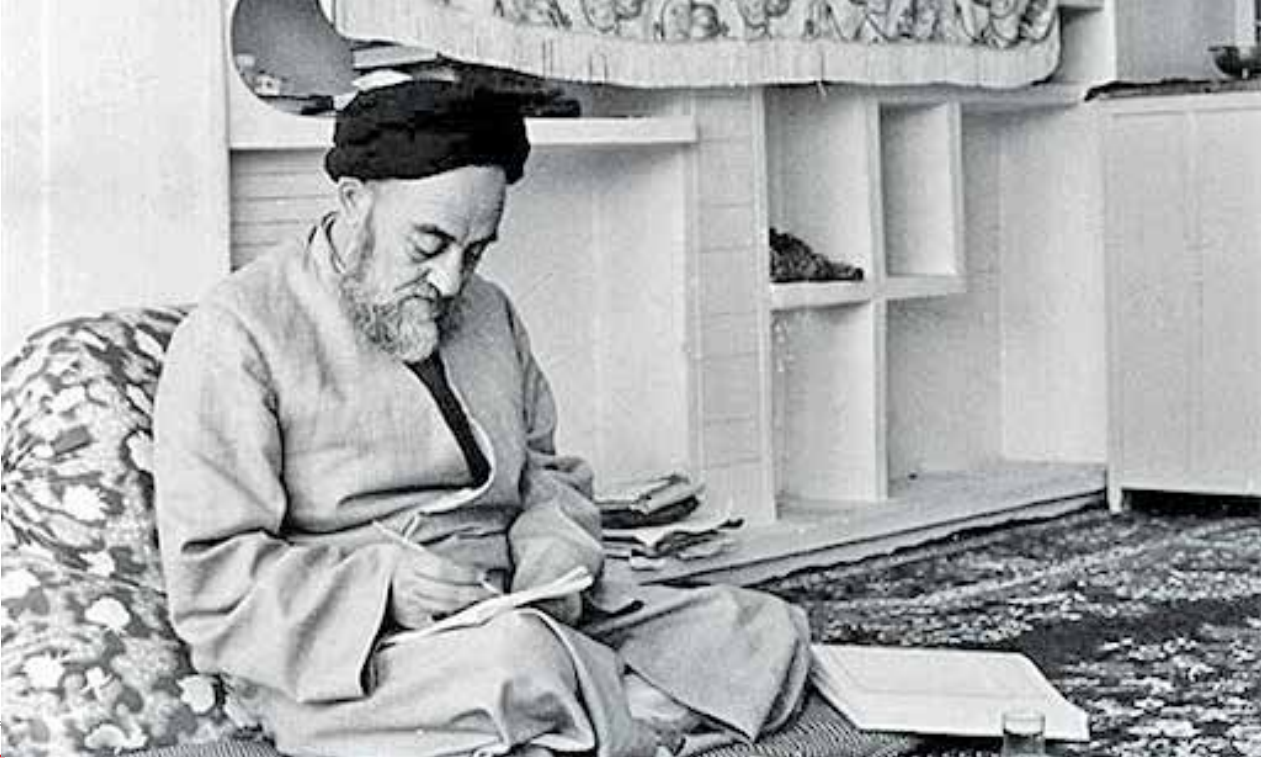


اندیشه

سه شنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۰
سال بیست و هفتم
شماره ۷۷۷۴

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir

ایران



ایستاد

مهسار رضائی
خبرنگار

یکی از چهره‌های اثرگذار در جغرافیای فکری معاصر ما، بی‌تردید، مرحوم علامه طباطبائی است. گواه این مدعا، آثار فکری و مکتوب ایشان و شاگردان برجسته‌ای است که امروزه هریک وزنه‌ای در این جغرافیای فکری- فرهنگی محسوب می‌شوند. اکنون که در چهلمین سالروز درگذشت علامه طباطبائی هستیم «سلوک علمی و مشی فکری علامه» را با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مسعود آذربایجانی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مدیر گروه فلسفه علوم انسانی مجمع عالی حکمت به بحث گذاشتیم. او معتقد است که علامه صاحب مکتب فکری- فلسفی است که اکنون میراث ارزشمندی برای حوزه علمیه بشمار می‌آید. او در این نشست، به تأثیر علامه بر جریان فکری حوزه نیز اشاره داشت.

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مسعود آذربایجانی به مناسبت سالروز درگذشت علامه طباطبائی

حبیب معرفت

■ **مرحوم علامه طباطبائی از شخصیت‌های اثرگذار در حوزه علمیه به‌شمار می‌آید، ردپای این اثرگذاری را کج‌ها می‌توان دید؟**

مباحث فلسفی در حوزه علمیه قبل از آیت‌الله بروجردی و علامه طباطبائی، تقریباً منزوی و مهجور بود. در این راستا، علامه طباطبائی بارها عنوان کردند که دو خلأ را در حوزه احساس می‌کنند: «مباحث فلسفی» و «مباحث تفسیری». ایشان با اینکه یک مجتهد قوی در مسائل فقه و اصول بودند اما چون در خصوص این دو خلأ احساس وظیفه می‌کردند، به شکلی جدی به این دو پرداختند و باید گفت که بحق از پس هر دو نیز برآمدند. نگارش تفسیر ارزشمند «المیزان» در همین راستا انجام شد. بدون تردید در چهل سال گذشته بسیاری از بخش‌های حوزه‌های علمی و دانشگاه‌ها بر سفره المیزان نشسته و صدها رساله علمی در مقطع دکتری و حوزوی از مبانی المیزان در مباحث خود بهره گرفته‌اند. در بحث‌های فلسفی نیز ایشان دو کتاب «بدایه الحکمه» و «نهایه الحکمه» را تدوین کردند

و این دو کتاب به‌عنوان کتاب درسی برای فلسفه قرار داده شد. افزون بر این، شاگردان بسیاری در محضر ایشان تلمذ کردند که امروز حوزه‌های علمیه از آنان بهره می‌برد همچون حضرت استاد آیت‌الله جوادی آملی، مرحوم آیت‌الله حسن‌زاده آملی، مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله انصاری شیرازی، استاد شهید مطهری و... بنابراین، علامه طباطبائی فارغ از همه آثار قلمی و فکری، بواسطه تربیت چنین شاگردان فرزانه‌ای، حق بزرگی بر گردن حوزه دارند.

■ **رود مباحث فلسفی و رواج آن در حوزه‌های علمیه، چه فضای تازه‌ای برای طلبه‌ها و علمان دینی مایجاد کرد؟**

در این نکته بسیار مهمی است و امروزه ما به آن نیاز داریم. ورود مباحث فلسفی و نگاه عقلی در حوزه‌ها، ما را از اخباری‌گری و سطحی‌نگری و نگاه روبنایی و نازل به معارف دینی دور می‌کند، نگاه عمیق و ژرف به مباحث اسلامی را نهاده‌اند کرده و این امر خود باعث «قوت تبیین» می‌شود. نگاه فلسفی در حقیقت رشد عقلانه‌ای، ژرف‌نگری، استدلالی برهان است و از رهگذر حوزه‌ها، جامعه اسلامی را از نگاه‌های خرافی، بدعت‌نگر و روبنایی دور کرده و

نوآوری‌های علامه طباطبائی در حوزه علمیه به روایت شاگردش

دولتش جاوید و نامش جاودان

دکتر سید یحیی یثربی
استاد تمام فلسفه و کلام اسلامی

مرحوم سیدمحمدحسین طباطبائی تبریزی معروف به «علامه طباطبائی» از شخصیت‌های اثرگذار حوزه علمیه بود که بعد از ۸۰ سال زندگی پرپرکت در ۲۴ آبان ۱۳۶۰ چهره در نقاب خاک کشید. در دوران طلبگی‌ام در قم این افتخار را داشتم تا محضر ایشان را درک و یک سال و نیم در درس ایشان شرکت کنم، به‌عنوان شاگرد او می‌توانم بگویم که زندگی علمی و اخلاقی علامه نقاط عطف فراوانی دارد که او را به متفکر و عالمی اثرگذار بدل کرد چنانکه تأثیر او بر جریان حوزه علمیه قم غیرقابل انکار است که در این رابطه به چند نکته اشاره می‌کنم:

۱- مرحوم علامه طباطبائی بی‌شک از شخصیت‌های اثرگذار حوزه علمیه بودند و توانستند سبک جدیدی را به حوزه وارد کنند و کوشیدند تا به همین سبک در حوزه تدریس و زندگی کنند. واقعیت این است که هر متفکر، هنرمند، شاعر و نویسنده‌ای امکان و اقبال اثرگذاری پیدا نمی‌کند. در حوزه‌های مختلف فکری، هنری و ادبی ممکن است افراد زیادی ورود کنند. اما کمتر پیش می‌آید که بتوانند موجی ایجاد کنند، محدود هنرمندانی را می‌شناسیم که در نقاشی سبک جدیدی را راه انداخته باشند یا شاعرانی که در ادبیات طرحی نو را معرفی کرده باشند و... اما مرحوم علامه طباطبائی از همین معدود متفکرانی بود که توانست موجی

روایت «ایران» از آینده فلسفه در ایران

ضریب نفوذ فلسفه در جامعه

گروه اندیشه: سازمان یونسکو، سومین پنجشنبه ماه نوامبر را «روز جهانی فلسفه» خوانده است که این ایام، در ایران با روز بزرگداشت علامه طباطبائی، ۲۴ آبان ماه، تقریباً مصادف شده است که به این مناسبت هم‌اندیشی‌های پرشماری با موضوع فلسفه برگزار می‌شود. «آینده فلسفه در ایران» یکی از این نشست‌ها بود که هفته گذشته به‌همت گروه فلسفه دانشگاه شهید مطهری برگزار شد و با حضور استادانی چون آیت‌الله عبدالله جوادی آملی و دکتر رضا داوری اردکانی بسیار پر مخاطب شد. به‌دلیل اهمیت این دوسخنرانی، گزیده‌ای از آنها را در ادامه روایت کرده‌ایم که می‌خوانید:

■ آسیب‌های «علم سرخانه‌ای»

آینده فلسفه در ایران را چگونه می‌بینید؟ و چه برنامه‌ای برای آینده فلسفی در ایران پیشنهاد می‌کنید؟ اینها دو پرسش محوری همایش بود و آیت‌الله جوادی آملی، فقیه و فیلسوف و از مراجع تقلید شیعه، در پیمای تصویری کوشیدند تا بحث خود را بیشتر به «رسالت دانشگاه در تبیین آینده فلسفه» و «تأثیری که الهیات فلسفه بر جامعه می‌تواند داشته باشد» اختصاص دهند.

ایشان برای تبیین بحث خود، نخست به ذکر این مقدمه پرداختند که دلیل کاربردی نبودن الهیات فلسفه این است که تنها با علوم سر و کار دارد و به‌همین دلیل ارتباطش با فرد و جامعه با واسطه و از رهگذر علوم است. بنابراین، می‌کوشد تا بواسطه علم و خرد

عقلانی و اسلامی شده، جامعه را به سمت خردورزی و عقلانیت پیش برد و بر خلاف «حکمت عملی» که کاربردی است و بی‌واسطه جامعه را هدف گیرد و می‌کوشد جامعه را مسلمان کند و آثار اسلامی را در جامعه عملیاتی کند. به این اعتبار، ایشان معتقد است که رسالت دانشگاه در تبیین آینده فلسفه در ایران این است که بداند دانش فلسفه «امتی» دارد و این امت، علوم جهانی‌اند و اگر علوم تحت تدبیر این امام (دانش فلسفه) بخوبی هدایت شوند، بخش‌های حکمت عملی هم در

شئون گوناگون هدایت می‌شود. ایشان در این راستا گفت: «سخن الهیات فلسفه این است که دانشمندان! شما با یک مثلث روبه‌رو هستید مثله نکنید: «هُوَ الْأَوَّلُ» را کنار نگذارید، «هو الآخر» را کنار نگذارید، با معلوم سر‌خانه‌ای، علم گرم پدید نمی‌آید. شما این لاشه را به سر‌خانه تحویل دادید گفتید: ما زمین‌شناس هستیم، آسمان‌شناس هستیم، گیاه‌شناس هستیم، معدن‌شناس هستیم، داروشناس هستیم، بلکه ما این درد و درمان، این آسمان و زمین، این فرشته و سرشته، این انسان و ملک هر چه هست و هر که هست یک میدا فاعلی دارد یک میدا غایی دارد آن میدا فاعلی «هُوَ الْأَوَّلُ» آن است، آن میدا غایی، هدف و «هو الآخر» آن است، شما فقط با نظام داخلی کار دارید نظام داخلی این مثلث مثله شده؛ معلوم سر‌خانه‌ای علم سر‌خانه‌ای تحویل می‌دهد!»

بنابراین، به‌زعم ایشان، الهی و اسلامی شدن علوم در گرو «عملی شدن فتوای فلسفه الهی» است و در غیر این صورت، تمام علوم سکولار شده و نتیجه آن، جنگ جهانی اول و دوم با جنگ‌های نیابتی، کارخانه‌های اسلحه‌سازی سه‌شسته، موج مهاجران دریایی و... است. دانشگاه وقتی اسلامی می‌شود که دانش آن اسلامی باشد، دانش اسلامی، دانشمند اسلامی تربیت می‌کند؛ این کار اساسی فلسفه است.

■ فلسفه مقام آزادی است

دکتر رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم ایران، نیز در متن مکتوبی که برای این همایش تدارک دیده بود، عنوان کرد که روز جهانی فلسفه برای اهل فلسفه فرصتی فراهم می‌آورد که بتوانند در باب ماهیت فلسفه و وضع کنونی و آینده آن اندکی بیندیشند و اتفاقاً اینها از مهم‌ترین مسائل فلسفه زمان ما است.

به‌زعم او، هرگز به اندازه امروز، فلسفه نیاز نداشته است که از خود دفاع کند زیرا نه این همه دشمن و مخالف داشته و نه ایدئولوژی‌های گوناگون مدعی بوده‌اند که اخلاق و سیاست و علم رسمی را راه می‌برند. اکنون گاهی فلسفه حتی از سوی کسانی که شغل‌شان فلسفه است مورد ملامت و مؤاخذه قرار می‌گیرد. وی تأکید کرد که کاش در کشور ما هم آشنایی با فلسفه به حدی برسد که استادان با تعلق بر فلسفه دوره اسلامی و فلسفه‌های دیگر به راه‌های تازه و فهم روشن‌تری از مسائل زمان برسند. فلسفه جدید اروپایی فلسفه‌ای است که اگر آن را «سخن مدرنیته» بدانیم دور نرفته‌ایم و چون مدرنیته جهانی شده است اهل فلسفه هر جا که هستند به‌یاد هر کشوری که تعلق دارند باید با آن فلسفه آشنا شوند. کشور ما که سابقه هزار ساله تفکر فلسفی دارد و زایش یکبار مستعد آموختن فلسفه شده است باید در این راه اهتمام کند و مخصوصاً اینکه به این اهتمام هم نیاز دارد.



فقیه احمدی/ ایران



ambibir

■ **علامه طباطبائی توانست بایک نگاه نوصدرایی به‌مباحث فلسفی، بین «مبانی عقلی فلسفه» با «معارف دین» و «نیازهای روز» پیوند برقرار کند. این یک مکتب فکری جدید است که ماباید بیشتر، قدردان ایشان باشیم. علامه طباطبائی فارغ از همه آثار قلمی و فکری، بواسطه تربیت شاگردان فرزانه‌ای چون حضرت استاد آیت‌الله جوادی آملی، مرحوم آیت‌الله حسن‌زاده آملی، مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله انصاری شیرازی، استاد شهید مطهری و... حق بزرگی بر گردن حوزه دارند**

که امروز باید در دستور کار حوزه قرار گیرد.
■ **علامه در امتداد یافتن فلسفه اسلامی چقدر نقش داشتند؟**

با توجه به آثار علمی، قلمی و سخنرانی‌های مرحوم علامه طباطبائی می‌توان به ۵ محور در خصوص امتداد یافتن فلسفه اسلامی توسط او اشاره کرد؛ محور نخست، بالندگی و توسعه فلسفه اسلامی است. ایشان ترویج و نهادینه‌سازی فلسفه اسلامی



محمد کریمی/ ایران

«مردی الهی» نامید. از نظر اخلاقی، شخصیت آرامی داشت و لحظه‌ای از مطالعه و تحقیق غافل نبود. متفکری مردمی بود و در مراکز عمومی به تدریس می‌پرداخت. تلاش داشت تا با مخالفان فکری خود به بحث بنشیند و جوانان را از انحطاط و وسوسه ماتریالیست‌ها و دسته‌های چپ نجات دهد. او در این راستا، بواقع رفتار سازنده‌ای داشت.

۴- مرحوم علامه طباطبائی همواره نقد را پذیرا بود و به‌عنوان عالم و متفکری که اهل گفت و گو است، شناخته می‌شد. در آثارش با وجود اختلاف نظر با ماتریالیست‌ها، هیچ‌گاه به آنان توهین نکرد. اگر چیزی می‌پرسیدند که به آن بحث مسلط نبود، براحتی می‌گفت: «نمی‌دانم». واقعیت این است که اهانت «جبهه» ایجاد می‌کند، باعث انشعاب و فرقه فرقه شدن می‌شود، اما نقد «سازنده» است، گفت‌وگو «آشتی» می‌دهد و وحدت‌آفرین است. در زمانه‌ای که تشیع از هزاران طرف مورد هجوم است، مسئولیت روحانیت و حوزه‌های علمیه حفظ کبان تشیع و معارف اهل بیت(ع) است. از این‌رو، مهم‌ترین پیام و درسی

را با تألیف کتب «بدایه الحکمه» و «نهایه الحکمه» وارد مرحله جدیدی کردند. تدریس فلسفه بویژه حکمت متعالیه و اسفار ماصدر، ابداعات فلسفی (۶مورد) که در حوزه داشتند و حاشیه‌هایی که بر اسفار نوشتند، بخشی از اقدامات ایشان در توسعه فلسفه اسلامی در متن فلسفه بود.

محور دوم، در بخش دین‌شناسی، اعتقادات و علوم کلامی است، در این زمینه نیز با استفاده از پشتوانه‌های فلسفی به تبیین مبانی اعتقادی پرداختند؛ به‌عنوان مثال در اثبات وجود حضرت حق، ذات، اسما، صفات و افعال الهی آثاری را به رشته تحریر درآوردند. همچنین ایشان روزآمدی بحث‌های اعتقادی را نیز در دستور کار خود داشتند و در این راستا، رساله «الولایه»، کتاب «شیعه در اسلام» و «قرآن در اسلام» را به نگارش درآوردند. بخش دیگر، پاسخ به شبهات است. مرحوم علامه طباطبائی در مبانی اعتقادی، کتاب‌ها و آثار مستقل دارند، از آن جمله می‌توان به کتاب «وحی یا شعور مرموز»، «علی و فلسفه الهی» و... اشاره کرد. همچنین مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان هم بحث‌های مستقلی در ذیل آیات قرآن و معارف الهی و بحث‌های مبانی کلامی دارند. محور سوم، انسان‌شناسی است. انسان‌شناسی مبنا و محور علوم اسلامی است. ایشان آثار متعددی را با پشتوانه‌های فلسفی و عرفانی به نگارش درآوردند؛ همچون «انسان ماقبل الدنیا، انسان فی الدنیا، انسان بعد دنیا». محور چهارم، بحث اخلاق است. مرحوم علامه طباطبائی در بحث از اخلاق دارای دو ایده و ابداع جدید هستند؛ نخست، در بخش اخلاق نظری که «نظریه اعتباریات» را مطرح می‌کند و بر این اساس، تبیین جدیدی از گزاره‌های اخلاقی به‌دست می‌دهند. دوم، در بخش اخلاق عملی است که در کتاب المیزان از رهگذر تفسیر به این مهم پرداخته‌اند و در آنجا مسلک توحیدی قرآن را در اخلاق ذکر به تبیین می‌گذارند.

محور پنجم، امتدادسازی فلسفه در علوم انسانی است. ایشان بویژه در مباحث جامعه‌شناسی، علم سیاست، حقوق، مباحث تربیتی و بعضاً مباحث روانشناسی هم آثار مستقل دارند و در «المیزان» مفصل مباحثی را در حوزه علوم انسانی ذکر کرده‌اند.

که زندگی علامه برای امروز ما دارد، پذیرش نقد و گفت‌وگو و پرهیز از اهانت نسبت به دیدگاه‌های مخالف است.

۵- عرفا معتقدند «هر کسی که دیدارش ثورا تحت تأثیر قرار ندهد، گفتارش هم تحت تأثیر قرار نمی‌دهد». علامه طباطبائی از آن دست شخصیت‌های علمی و اخلاقی بود که دیدارش همه را تحت تأثیر قرار می‌داد، تا آنجا که حتی می‌توان گفت دیدارش بیشتر از درس‌هایش باطن انسان را جلا می‌داد. واقعیت این است که مادامی که استاد خود تأثیرگذار نباشد، درسش هم نافذ نخواهد بود. علامه طباطبائی استادی بود که خود اثرگذار و نافذ بود، حتی بی‌اغراق دروصف‌اومی‌توان گفت: ساقی‌ای (معلمی) بود که از باده (درس) اثرگذارتر بود. در منزل یکی از دوستان میهمان بودم که خبر رحلت ایشان را شنیدم، همانجا درشان منزلت ایشان چندبیت گفتم:

میهمان بزم او بودیم دوش چشم‌ساقی در کمین عقل وهوش
حشمتی بالاتر از کاووس و جم در پناه آن نگار محتشم
باده در جام حریفان ریختند فتنه‌ها یافتنه‌ها میخندند
لب‌الب با جام وهستی بر کفم چشم برچشمان مست آن صنم
از قدح ناچشم او دیدم عیان بود فرقی از زمین تا آسمان
باده‌کی باشد حریف چشم‌وی هر نگاهش نشنه صد جام‌وی در دل مایاد او آرام جان
دولتش جاوید و نامش جاودان